

## میزگرد زبان اشاره گذشته، حال و آینده

به کوشش مرضیه آقاخانی

### توضیح

مدیر عامل و اعضاء هیات مدیره کانون ناشنوایان ایران روز پنجشنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۹۴ به دفتر فرهنگ معلولین تشریف آوردند. هدف، بازدید از دفتر و نیز گسترش تعاملات و همکاری‌ها و در آخر میزگردی درباره زبان اشاره بود. آقایان فریدون خلیلی، رضا ذبیحی، فرج اله زنجانی و خانم‌ها شیدا شهیدی و مرضیه آقاخانی حضور داشتند. خانم مرجان میرشفیعی مسئولیت رابط مترجم را بر عهده داشت.

کانون ناشنوایان ایران قدیمی‌ترین تشکیلات ناشنوایان است. شخصیت‌های نخبه فراوان از ناشنوایان در اینجا بوده و اکنون هستند و نظریات آنها می‌تواند راهگشا باشد.

علاوه بر گفت‌وگو درباره مسائل عمومی ناشنوایان در ساعات‌های پایان جلسه محور مباحث را زبان اشاره قرار دادیم و به تاریخ تحولات زبان اشاره پرداختیم. آقایان و خانم‌ها نظرات خود را بیان کردند و بدون کم و زیاد عیناً آوردیم. البته اگر کسانی آرای دیگر دارند، آمادگی داریم، آرای آنها را هم منتشر کنیم.

### \* وضعیت کنونی زبان اشاره در ایران چگونه است؟

آقاخانی: در حال حاضر زبان اشاره به علت نبود مرکزی که از زبان اشاره پشتیبانی کند، دچار مشکلاتی است. قبلاً یعنی از سال ۱۳۵۲ کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره، فعال بود و از نظر پژوهشی، اجرایی، آموزشی و غیره پشتیبانی و حمایت می‌کرد. این مؤسسه ثبت شده بود و قانونی هم بود. اما اکنون چون حمایت‌کننده قانونی نیست، زبان اشاره افت پیدا کرده است.

ذبیحی: به علت نداشتن کارشناسان زبان اشاره جدید به خصوص بعد از بازنشستگی کارشناسان کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی در دانشگاه علوم توانبخشی و بهزیستی و توقف فعالیت، در عرصه زبان اشاره این کمیته با بحران شدید مواجه شده است. از طرف دیگر برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های جدید، جایگزین خطمشی سابق شده است. قبلاً یعنی در دهه شصت و هفتاد (حدود ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰) خطمشی در ایران هماهنگ با نظام آموزشی جهان بود؛ یعنی زبان اشاره محور بود. اما اکنون آموزش و پرورش استثنایی بدون توجه به مصوبات کنوانسیون جهانی معلولین و فدراسیون جهانی ناشنوایان از گسترش آموزش زبان اشاره در مدارس ناشنوا منع می‌کند. لب‌خوانی و روش شفاهی را جایگزین زبان اشاره کرده است. در حال حاضر کمیته زبان اشاره بصورت افتخاری در محل کانون ناشنوایان ایران با وجود کمبود امکانات و عدم حمایت مالی به فعالیت می‌پردازد. اما کثرت هزینه‌ها مانع از چاپ و نشر یا انجام تحقیقات یا اطلاع‌رسانی است.

خلیلی: به دلیل عدم پشتیبانی از زبان اشاره توسط نهادهای دولتی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد و وزارت آموزش و پرورش، این زبان به تدریج رو به افول رفت. نیز سازمان مدارس استثنایی درصدد حذف زبان اشاره و جایگزینی لب‌خوانی بوده است. زبان اشاره که تنها میراث

کسانی است که چند دهه زحمت کشیدند و این درخت را بارور نمودند، بلکه ایران استاد و مربی زبان اشاره به جاهای دیگر می‌فرستاد و از همه کشورهای منطقه جلوتر بود. اما متأسفانه این درخت را همراه با میوه‌ها و ثمراتش از بیخ کردند و همه زحمات یک نسل را نابود کردند. البته هنوز دیر نشده و عقلانی قوم و نهادهایی مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت بهداشت و درمان باید شورایی و کمیته‌ای برای احیای زبان اشاره تأسیس کنند و نگذارند بیش از این زبان اشاره نابود شود.

زنجانی: زبان اشاره به عنوان تنها ابزار ارتباطی ناشنوایان که در جهان پذیرفته شده است، اهمیت و تأثیر بسیار داشته است ولی هم اکنون وضعیت مناسبی ندارد. زبان اشاره در توافق‌نامه‌های بین‌المللی تصویب شده است. نهادهای بین‌الملل در کنوانسیون‌های خود بر این زمان تأکید کرده‌اند. از طرف دیگر ایران به این کنوانسیون‌ها پیوسته و آنها را قبول کرده است. از این‌رو ایران قانوناً باید به زبان اشاره اهتمام داشته و در توسعه و ترویج آن بکوشد.



به عنوان زبان دوم باید منظور شود، همانطور که فارسی زبان‌ها، انگلیسی را به عنوان زبان دوم یاد می‌گیرند و همانطور که فارسی زبان‌ها وقتی به کشورهای انگلیسی زبان می‌روند نیاز به مترجم دارند، زبان اشاره هم همین گونه است.

**\* در گذشته مثلاً دوره باغچه‌بان یا پس از ایشان اگر وضع بهتر بوده چرا و به چه دلیل؟**

**آقاخانی:** در زمان باغچه‌بان آموزش زبان اشاره و ارتباط داشتن ناشنوایان به راحتی در جامعه و خانواده و جاهایی دیگر برقرار می‌شده است، ولی متأسفانه در زمان حال در تمام مدارس ناشنوایان آموزش زبان اشاره به ناشنوایان ممنوع شده است همچنین در تربیت معلم به دبیران اجازه نداده‌اند که روش‌های آموزش به ناشنوایان که دوره تخصصی دارد را بگذرانند. به همین دلیل

دبیران مدارس ناشنوایان نمی‌توانند با دانش‌آموزان ناشنوا به خوبی ارتباط برقرار کنند و آموزش بدهند. همچنین والدین با بی‌توجهی به استثنایی بودن فرزندان ناشنوا آنها را به مدارس عادی می‌برند در صورتی که مدارس عادی برای ناشنوایان مفید نیست و باعث ضربه روحی و جسمی به آنها می‌شود.

**ذبیحی:** در گذشته اکثراً ناشنوایان در مدارس ویژه ناشنوایان حضور داشته و نسبت به دوران کنونی از اعتماد به نفس بیشتر برخوردار بوده به دلیل ارتباط نسبتاً خوب با جامعه موفقیت بیشتری هم داشتند.

در آن زمان شرایط اقتصادی و اجتماعی معلمان نسبت به امروز بهتر بود و با حوصله فراوان به دانش‌آموزان ناشنوا تدریس می‌کردند. اما متأسفانه پس از دوره باغچه‌بان به دلیل سیاست غلط آموزش و پرورش استثنایی و عدم استفاده از کارشناسان ناشنوا در زمینه آموزش زبان اشاره طبق مصوبات فدراسیون جهانی ناشنوایان به وضعیت بدی رسیده و دانش‌آموزان ناشنوا بعد از پایان دوره تحصیلی اعتماد به نفس بسیار ضعیف داشته و در برقراری ارتباط با اجتماع غالباً ناموفق‌اند و موانع زیادی در ارتباط‌های اجتماعی ناشنوایان با جامعه وجود دارد.

همچنین ناشنوایان به دلیل تفاوت فرهنگ آموزشی بین مدارس عادی و ناشنوا دچار اختلال‌های شخصیتی گردیده و با مشکلات زیادی روبرو می‌گردند. برخی از اعضا کانون که در مدارس عادی درس خوانده‌اند دچار دوگانگی شخصیت شده‌اند.

شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ یک فرد ناشنوا در طول دوران تحصیل در مدارس عادی با شخصیت و فرهنگ یک فرد ناشنوا در مدارس ناشنوا کاملاً متفاوت بوده و به همین دلیل نمی‌توانند با افراد ناشنوایی که در مدارس ناشنوایان درس خوانده‌اند ارتباط نزدیک و صمیمانه داشته باشند. در واقع سیستم غلط آموزش و پرورش استثنایی بدون در نظر گرفتن این شرایط مشکلات زیادی برای افراد ناشنوا که در مدارس عادی درس خوانده‌اند به وجود آورده است. و اکثر آنان در دانشگاه با مشکلات زیادی روبرو شده و بدلیل ناآشنا بودن با زبان اشاره متوجه منظور رابطان زبان اشاره نیز نمی‌شوند. و برقراری ارتباط برای آنان هم با افراد عادی و هم



اما هم اکنون اقدامی در جهت آموزش و توسعه توسط سازمان مدارس استثنایی مشاهده نمی‌شود. فقدان آموزش زبان اشاره مثل این است که الفبای فارسی زبان فارسی را از نظام آموزشی ایران حذف کنیم. نتیجه آن بی‌سواد بار آمدن بچه‌ها و نیز ده‌ها پیامد زیان بار دیگر در پی خواهد داشت. وقتی زبان اشاره را کنار بگذارید در واقع ناشنوایان را بی‌سواد می‌سازید، رابطه آنها را با دنیا قطع می‌کنید. همین جا از مسئولین درخواست ملت‌مسانه داریم که نسبت به تصمیمات خودشان درباره زبان اشاره تجدیدنظر کنند.

**شهیدی:** از اینکه در سال‌های اخیر عناوین کتب و مقالات منتشر شده درباره زبان اشاره رو کاهش بوده معلوم می‌شود چه وضعی داریم. از مسئولان خواهش می‌کنیم گروهی از کارشناسان را تعیین کنند تا پیامدهای شیوه موجود را بررسی کرده و پس از آن تصمیم مقتضی بگیرند.

**\* آیا وضع کاربردی آموزشی و استفاده از رابط مطلوب است؟ به علل و عوامل مطلوبیت یا عدم مطلوبیت اشاره کنید.**

**آقاخانی:** خیر، چون به طور جدی در جامعه و دولت مثل سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور، سازمان بهزیستی، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی هیچگونه حمایتی از رابطین ندارند و همچنین با طرح راه‌اندازی رشته تربیت رابطین در دانشگاه‌های معتبر با مخالفت مواجه شده‌اند، که در سازمان بودجه یا تشکیلات به ثبت نرسیده است.

**ذبیحی:** مطلوب نیست به دلیل نداشتن دانشگاه ویژه دوره تربیت رابط زبان اشاره در ایران و عدم تأسیس سازمان رابطان زبان اشاره کشور جهت افزایش تعداد رابط زبان اشاره در کشور، وضعیت آموزشی و استفاده از رابط زبان اشاره زیاد مطلوب نیست.

**خلیلی:** یکی از ارکان زبان اشاره، رابط (مترجم) است. اما متأسفانه به آن توجهی نمی‌شود. درست مثل زبان انگلیسی که ترجمه رکن آن است و اگر ترجمه و تربیت مترجم حذف شود، زبان انگلیسی ضربه می‌پذیرد.

دیدگاه علمی درباره زبان اشاره این است که این زبان مثل زبان انگلیسی

زبان اشاره وحدت و اتحاد و اتفاق پیدا کنند و تماماً یک خواست را مطرح کنند.

**\* مدیران فرهنگی دولت چه رسالتی دارند؟**

**آقاخان:** ناشنوایان در جامعه انتظارات زیادی از مدیران فرهنگی دولت شامل سازمان صدا و سیما، آموزش و پرورش استثنایی کشور، سازمان بهزیستی کشور، مجلس شورای اسلامی ایران، وزارت کار و رفاه و دیگر ارگان‌ها و سازمان‌ها دارند که در زمینه فراهم‌سازی زبان اشاره و توسعه و ترویج آن به رسمیت شناختن رابطان به عنوان شغل اصلی و رسمی و تجهیز کردن منازل ناشنوایان، زنگ منازل، زنگ ساعت، سمعک و...

**ذبیحی:** مدیران فرهنگی دولت به خصوص وزارت ارشاد اسلامی، وزارت رفاه، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، بهزیستی و سازمان‌های مربوطه باید با همکاری مستمر مؤسسات غیر دولتی ناشنوایان برای پیشبرد اهداف زبان اشاره در سطوح آموزشی و فرهنگی عهده‌دار مسئولیت باشند.

**\* خود ناشنوایان به ویژه نخبگان ناشنوا چه رسالتی دارند؟**

**آقاخان:** همه ما ناشنوایان می‌دانیم که زبان اصلی ما زبان اشاره می‌باشد و ناشنوایان نخبه وظیفه دارند از زبان اشاره در هر کار و هر رشته‌ای که هستند دفاع کنند.

**ذبیحی:** نخبگان ناشنوا خواهان توجه ویژه دولت و مجلس شورای اسلامی در زمینه وضعیت زبان اشاره هستند. نخبگان ناشنوا می‌توانند در پیشرفت وضعیت زبان اشاره نقش مؤثری داشته باشند. با کمک تجربه و دانش نخبگان ناشنوا می‌توان وضعیت زبان اشاره را بهبود بخشید. و دولت امکانات بیشتری در اختیار نخبگان ناشنوا قرار دهد تا بتوانند با دست خودشان بسیاری از مشکلات زبان ارتباطی ناشنوایان را حل کنند. و این بهترین و مؤثرترین روش است.

**خلیلی:** ناشنوایان باید با تلاش و کوشش خود را به مدارج عالی اجتماعی و فرهنگی برسانند پس از اینکه به مقامی رسیدند، دیگران را فراموش نکنند و همراه جمع باشند.

با افراد ناشنوا مشکل‌ساز است و این ضربه بزرگ توسط آموزش و پرورش به افراد ناشنوا وارد شده است.

**خلیلی:** مدارس باغچه‌بان از ۱۳۱۲ تا فوت باغچه‌بان در ۱۳۴۵ تحولات مختلف داشته است. پس از فوت ایشان مدارس باغچه‌بان ادامه یافت. بنابراین مدارس باغچه‌بان از دوره‌های مختلف گذر کرده‌اند. نیز پس از انقلاب دوره‌های مختلف داشتیم. مقایسه چه دوره‌ای با چه دوره‌ای مهم است. اگر اواخر دوره قبل با حالا مقایسه شود می‌توان نتیجه‌گیری کرد که این دوره نسبت به آن زمان وضع بدتر است.

**شهیدی:** هر کاری اگر مبتنی بر کارشناسی نباشد خراب می‌شود. در گذشته، کارشناسان با شور و مشورت و عقل جمعی کار می‌کردند و برای زبان اشاره تصمیم می‌گرفتند. ولی وقتی سازمان مدارس استثنایی تشکیل شد کمتر از کارشناسان مجرب استفاده کردند.

**\* به نظر شما مؤسسات و تشکلهای چه نقشی و چه رسالتی در زمینه بهبود زبان اشاره می‌توانند داشته باشند؟**

**آقاخان:** مؤسسات و تشکلهای نقش خوبی برای حمایت و تبلیغات از ناشنوایان و زبان اشاره دارند که ناشنوایان بتوانند از مؤسسات و تشکلهای بهره‌برند و و به اطلاعات خود اضافه کنند. مانند کانون ناشنوایان ایران که یک مؤسسه حمایتی محسوب می‌گردد.

**ذبیحی:** به نظرم حضور نمایندگان مؤسسات ناشنوایان مانند کانون ناشنوایان ایران که با بیش از ۵۰ سال سابقه یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مؤسسات مربوط به ناشنوایان می‌باشد می‌تواند نقش بسیار مهم و مؤثری جهت بهبود وضعیت زبان اشاره و حمایت از رابطان زبان اشاره در مؤسسات دولتی و غیر دولتی و افزایش ارتقای آگاهی و توسعه فرهنگ زبان اشاره در سطح جامعه داشته باشد.

**خلیلی:** زبان اشاره ابعاد مختلف دارد مثل آموزش، حقوق، معلمان، رابط، متون، شیوه و روش. به نظر می‌رسد اگر تشکلهای در زمینه حقوق زبان اشاره کار کنند و قوانینی پیشنهاد بدهند و این قوانین تصویب شود، خوب است.

**زنجانی:** تشکلهای با جلسات و دور هم جمع شدن باید در مورد

